



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران خیابان آیت الله مینی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰۴۲۲۲۷۷۵۸۲۴۲۵ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

هنری که از فتحی جان برد از مادل...



شد فهمینند آن مرد بارنی بوش، همسایه‌اشن مهدی فتحی بوده است که این ریاضت را می‌کشیده تا نقش ژان والژان را در خودش حل کند. مهدی فتحی در ۲۵ آذر ماه ۱۳۱۸ در تهران متولد شد، او پس از بیست سال، دانشجوی ممتاز دانشکده هنرهای دراماتیک تهران بود، و در حالی که هنوز ۲۰ سالش نشده بود با ورود به هنر کده آزاد آناهیتا، زیر نظر استادانی چون مصطفی و مهین اسکویی آموزش بازیگری را ادامه داد؛ دورتی که هشت سال طول کشید و در کنار چهره‌هایی مثل محمود دولت‌آبادی، مهین شهلی، پرویز بهرام، جعفر والی، کلطم هژیر آزاد و... گذشت، او در این هشت سال حدود ۲۰ نمایش بازی کرد، نمایش‌هایی مثل «تللو»، «هیاهوی بسیار برای هیچ»، «ریش تراش سویل» و «طبقه پنجم» که کارگردان‌شان مصطفی اسکویی بود. تماشاگران او را در کنار چهره‌هایی مثل عزت‌الله انتظامی و علی نصیریان، می‌دیدند، جوانی که در نقش‌هایش حل شده و چنان پرتین روی صحنه حرف می‌زند که انگار روح شخصیت‌ها در او حلول کرده‌اند. تکنیک معلقه با نقش و تاکید بر کلامش، او را کم‌کم به وزنه مؤثری در تئاتر دهه ۵۰ که به دهه طلایی تئاتر معروف است، تبدیل کرد و استاد فن بیان هنر کده آناهیتا و دانشکده هنرهای دراماتیک شد. از سال ۱۳۶۶ بازی جدی او جلوی دوربین آغاز شد و نقش‌های ماندگاری را در فیلم‌های «آدم برفی»، «کشتی آنجلیکا» و «روز واقعه» از خود برجای گذاشت. فتحی مدتی در یکی از گروه‌های تعزیه نقش لشکیباخوان بازی کرد. این سلیقه بعدها اوود میربقری را متقاعد کرد تا از او برای نقش عمر و عاص در مجموعه تلویزیونی امام علی استفاده کند. یک سال بعد از پخش سریال امام علی، فرهنگسرای بهمن میزبان تئاتر «بینوایان لهر روز غریب‌پور» بود. بسیاری از بزرگان تئاتر بر آن تاکید داشتند که با وجود اجرا شدن بارها و بارها نمایش بینوایان روی صحنه تئاتر، این بازی یکی از بی‌نظیرترین بازی‌هایی بوده که به چشم دیده‌اند. مخصوصاً پارتر بسیار محکمی همچون بهزاد فرحلی، که نقش بازرز زاور را بازی می‌کرد. این دوره یک چالش بسیار زیبایی رقابتی دست پیدا کردند و هر دو در نهایت قدرت تو استند این دو نقش ماندگار را از خود به یادگار بگذارند. انتظامی که پیش از تولید نمایش بینوایان از غریب‌پور خرده گرفته بود که چرا نقش ژان والژان را به او پیشنهاد نکرده است، پس از دیدن این نمایش گفته بود: «این که به من نقش ژان والژان را پیشنهاد نکردی رنجیدم؛ اما لاشب که اجرا را دیدم، متوجه شدم نمی‌توانستم سه ساعت و نیم بلند

مهدی فتحی یک نفس آن هم به این خوبی روی صحنه بلشم. مهدی فتحی از بازیگران بسیار کم‌حاشیه و حرفه‌ای سینما، تئاتر و تلویزیون ایران بود که دوری از حواشی باعث شد اطلاعات زیادی درباره زندگی و سلوک شخصی‌اش در دسترس نباشد. فتحی حضور رسانه‌ای پرتنگی نداشت و این بیش از هر چیز به نگاه حرفه‌ای و علاقه‌اش به بازیگری برمی‌گردد. مهرگان فتحی: تنها فرزند اوست، که بعد از فوت مادر، به خاطر شرایط زندگی‌شان در بیشتر پروژهای که پدر بازی می‌کرد، سر صحنه حضور داشته است. تمام خاطرات کودکی او از پدر، به پشت صحنه تئاتر و فیلم و سریال محدود می‌شود. او می‌گوید: همیشه پشت صحنه بودم همه چیز برایم آشنا بود. وسایل گریم جزو اسباب‌بازی‌های من بود، اما اولین باری که بیرون از فضای تمرین، بینوایان را از روی صندلی تماشاگر نظاره‌گر بودم با دیدن بازی پدرم، دچار حیرت شدم. با این که هشت نه سالم بود، جادوی بازیگری‌اش مرا گرفت و این نشانگر هنر او بود. چون می‌دیدم آدمی را که به عنوان پدر می‌شناسم، نمی‌بینم و یک آدم دیگر شده است. آن لحظه باعث شد همه چیز در ذهن من تغییر کند و از آن به بعد پدرم برایم یک معلم و استاد شد. او آنقدر در نقش‌ها استحاله می‌شد که من هیچ وقت خود واقعی پدرم را نشناختم. فتحی معتقد بود کسی که وارد حرفه بازیگری می‌شود، به جز دانش آکادمیک، لازم است یک «آن» بازیگری داشته باشد که ربطی به استعداد ندارد. چیزی باید در چشم‌های آدم باشد که تماشاگر راحت تأثیر قرار دهد. وقتی آن باشد، بیان و بدن هم با تمرین قلیل آموختن است. فتحی به هیچ چیزی به جز کارش اهمیت نمی‌داد. اگر کاری را دوست داشت، با تمام وجود انجام می‌داد، بدون این که به دستمزدش فکر کند، در بعضی از کارها دستمزدش را نداشتند. در زمان او، جایگاهی که به هنرمندان داده می‌شد، چندان مناسب نبود و امکاناتی مانند بیمه هنرمندان وجود نداشت. فتحی برای بازی در فیلم اعتراض و تحفه‌ها و آدم برفی نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شد. سیمرغی که هیچ‌وقت لیاقت پیدا نکرد که توسط او شکار شود. مهرگان فتحی معتقد است: نگاه متفاوت پدرم به سفر لیدی، باعث شد هیچ وقت مرگش را باور نکنم. او بعد از سفر همیشگی‌اش، هر لحظه با من و همه جابا من حضور دارد. او به من یاد داد، طور دیگری به مرگ نگاه کنم و گل‌های یاد هیچ‌کسی را پرپر نکنم. مهدی فتحی: نلبغه‌ای ماندگار که حسرت نبودنش همیشه بر دل هنر نمایش ملست.

سمیه نجفی خانوئی - مهدی فتحی، نیامده بود که برود، آمده بود که بماند، نقش بیننده خاطره‌ساز د. از او برای ماهمین کفایت که دیگر در سینما بدلی برای او نخواهیم یافت، او فاتح نقش‌های سختی بود که از او جان برد و از مادل...

هنر‌نمایی او در سریال امام علی (ع) در نقش عمر و عاص، از دام‌زنی‌اش در جنگ صفین، تافزار از برابر امام علی (ع) و حربه‌عریان شدن برای نجات جانش، مورا به تن سیخ می‌کند، صحنه‌ای که جز با قدرت بدنی و حرکات سریع مهدی فتحی که بدون بدل، به میدان‌گاه نقش آمده، مبهوت‌کننده از آب در نمی‌آمد. فتحی که در این سریال، در نقش عمر و عاص درخشید، نقش خود امام علی را نیز بدون صورت و کلام فقط با دست‌ها و بدنش، بازی کرد، رازی که از زیند انگشت کوچک فتحی، که شکسته بود و خم نمی‌شد، خود را نشان داد. او در کنار بازی بدنی بی‌نظیر، دیالوگ‌ها را هم با نهایت احساس و دقت ادامی کرد، طوری که صدای او با دیالوگ‌های پرتین و آوایش بر ایمان خاطر مساز می‌شد، «سلامتی سه تن ارفیق، ناموس، وطن اسلامی سه کس از ندوئی و سر باز و بی کس اسلامی باغیونی که زمستونش روز بهار بیشتر دوست داره اسلامی آزادی، سلامتی زندوئی بی ملقانی» دیالوگ مهدی فتحی در فیلم اعتراض، مسعود کیمیایی، که تبدیل به یکی از دیالوگ‌های ماندگار سینمای ایران شده است. فتحی از نظر مالی و توجه رسانه‌ها به جایگاهی مناسب که لایقش بود، نرسید. و این اصلاً برایش مهم نبود. دغدغه او بازیگری بود. تا آخر عمرش خانه نداشت، در ۶۴ سالگی، دچار عارضه کلیوی شد و به بیمارستان ایرانمهر قلبک رفت امامشکلات مالی و هزینه‌دومیلیون تومانی بیمارستان باعث شد تا او را بعد از چند روز به بیمارستان دولتی شهدای تجریش منتقل کنند. ۲۹ ساعت ۸۲ چند ساعت مقلده بود تا توپ تحویل سال نوشلیک شود که روح مهدی فتحی از روی تخت شماره ۱۰ بیمارستان شهدای تجریش تهران به آسمان پر کشید فتحی از جمله بازیگران کارکشته و قدرتمند سینما و تلویزیون به‌شمار می‌رفت. او از آن دسته بازیگرانی بود که هیچ وقت ستاره نمی‌شوند اما به فیلم‌ها اعتبار می‌دهند.

من هیچ وقت خود واقعی پدرم را نشناختم

ساکنان شمال تهران و محلات چیدر، قطریه و خیابان حکمت، هر روز مردی را لباس‌های قدیمی و بارنی رتده می‌دیدند که در خیابان‌ها پرسه می‌زند. مدتی بعد، وقتی تئاتر بینوایان به صورت تلویزیونی ضبط و پخش

شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir